



۲۰۲۰/۱۰/۲۸

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

گروه شیطانی

مذاکرات صلح طالبان در دوحه، به اصطلاح عامیانه کابل عزیز به شاخ آهو بند شده است، اما وقایع خونین اخیر در سراسر وطن که هر روز و هر ساعت جان صد ها انسان ملکی و نظامی، اعم از زن، مرد، پیر، جوان، حتی اطفال خُرد سال و نوزاد را می بلعد و جامعه افغانی را در داخل و خارج سوگوار می سازد، بخصوص درین اواخر آواره شدن هزاران خانواده در هلمند و انتحاری غیر انسانی در دشت برچی، منظومه ای را به خاطر آمدن که سال ها پیش به مناسبت چنین وقایع غیر انسانی سروده شده است، اینک با آراستن و پیراستن و افزودن یکی دو بیت تقدیم می شود :

ای جنون حیوانی، ای هوای نفسانی
چند، نفس سرکش را می گشی و میرانی
این گروه درویشان، ظالمند و بد کیشان
رم کنند از ایشان، بندگان سبحانی
می گشند انسان را، می درند حیوان را
با قیاس حیوانی، با لباس انسانی
مرد باردا و ریش، زن به گور و در تشویش
نه بنای اسلامی ست، نه نصاب قرآنی
انتحار ها کردن، جبر بر ملا کردن
سجده ریا کردن، با قبای روحانی
زیر خرقة سالوس، خدعه و فریب، افسوس
وا ازین خدا جویی، حیف ازین مسلمانی
آب آدمیت را، دستبرد شیطان برد
آدمی چه می گوئی، حاکم است شیطانی
تنگ چشمی "طالب"، می نبیند آدم را
غیر قاصر و خاسر، غیر عاصی و زانی
قتل در عبادتگاه، بمب در کنار راه
بد نهادند و بدخواه، ظالمند و هم جانی
رهروان این منزل، تا کمر فرو در گل
صد دلد و با یکدل، صد هزار حیرانی
مردمان پریشانند، بی لباس و بی ناندند
قندزی و هلمندی، کابلی، بدخشانی

در چمن نمی یابی بزم عیش و عشرت را مرغ را نمی بینی در نوا و خوشخوانی
عندلیب و موسیقار، بسته لب ز موسیقی تاردا و عمامه، می کند جهان بانی
یاسمن پر از گرد است، روی نسترن زرد است سیر باغ پر درد است، وا ازین پریشانی
تا که این «خلیزاد» ست، کار صلح بربادس زانکه رفته از یادش، راه و رسم افغانی

خلوت است «اسیر» امشب، باده ای به ساغر کن
ور نه غم نخواهد رفت از دلم به آسانی



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمائید.](#)